

«نجوم»: در مسیر انفجار ابر نواختری یا کوتوله سفید شدن؟ (نگاهی به تاریخچه‌ی مجله‌ی نجوم)

علیرضا صبا

دانشجوی کارشناسی مهندسی ماشین‌های صنایع غذایی
پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران
Alireza.saba@ut.ac.ir

فیزیک‌دان و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل فیزیک سال ۲۰۱۷ است. گاهی این نگاه چنان عمیق می‌شود که شاید بشود ساعت‌ها بر سر یک پلان و سکانس فیلم بحث علمی کرد!

یادم می‌آید آن زمان شاید این فیلم تمام فضای علمی ترویجی دنیا و کشورمان را گرفته بود. همه‌جا پر بود از نظرهای متخصصانی که درباره‌ی جزء به جزء این فیلم صحبت می‌کردند اما همان زمان بود که روزی از کنار غرفه‌ی مطبوعاتی محله‌مان رد می‌شدم و مجله‌ای را دیدم که از «رویای سفر میان‌ستاره‌ای» سخن به میان آورده بود. مجله‌ای که به نامش می‌آمد حرف‌های مهم، علمی و تازه‌ای داشته باشد. بلی! این چنین بود که من در نوجوانی با «نجوم» آشنا شدم.

نمی‌توانیم منکر شویم که دیدن آسمان پرستاره‌ی شب دل‌هایمان را برای سفر به دنیای ستاره‌ها به وجد نمی‌آورد. یادم است از کودکی با مجموعه کتاب‌های علمی تخیلی «جهان در قرن ۲۱» سعی در جهت‌آشنایی و خیال‌پردازی هر چه بیشتر از سفر به دنیای ستاره‌ها داشتم. حتی یکی دوبار پایم را فراتر از حد گذاشتم و به‌قول معروف لقمه‌ی بزرگ‌تر از دهانم برداشتم و در آن سن کتاب‌های «تاریخچه‌ی زمان» و «جهان در پوست گردو» استیون هاوکینگ را خریدم تا بیشتر با این دنیا آشنا شوم اما انصافاً برای یک نوجوان خواندن آن کتاب‌ها کمی زود بود. «نجوم» درست سر موقع در زندگی‌ام آمده بود. درست در همان لحظه‌ای که به او نیاز داشتم.

یادم می‌آید اواخر سال ۱۳۹۳ بود که تنور فیلم «میان‌ستاره‌ای»^۱ حسابی گرم شده بود. گرمای این تنور نه تنها هنرمندان، منتقدان و فیلم‌دوستان را گرم کرده بود که در جمع دانشمندان و مروجان علم نیز صحبت از نکات و ظرافت‌های علمی فیلم، داغ بود. فیلمی که کریستوفر نولان کارگردانی کرده بود. کارگردانی که به روایت‌های غیرخطی و موضوعات نوآورانه و نگاه معنایی خاصش شناخته شده است. فیلم انگاره^۲ که همین چندی پیش منتشر شد، یادآور تمامی این ویژگی‌ها بود.

میان‌ستاره‌ای اما فارغ از آن روایت غیرخطی و داستان عاشقانه‌ای که داشت، یکی از نوآورانه‌ترین و ظریف‌ترین فیلم‌های علمی تخیلی بود. شاید داستان‌ش را همه بدانیم. داستانی که از زمینی که بر اثر تغییرات اقلیمی، دیگر جای مناسبی برای زندگی انسان‌ها نیست، شروع می‌شود. زمینی که در آن گیاهان یکی‌یکی در حال انقراض هستند و امنیت غذایی بشر بیش‌ازپیش مورد تهدید قرار گرفته است. گردوخاک زندگی انسان را مختل کرده است و اینجا است که بشریت باید از آرمان‌گرایی و آرزوهای بلندش دست بکشد و حالا تنها به دنبال راهی برای چند روز بیشتر زنده‌بودن باشد. به قول خود فیلم: «زمانی عادت داشتیم به آسمان‌ها نگاه کنیم و به جایگاهمان در میان ستاره‌ها فکر کنیم. حال باید به زمین و جایگاهمان میان گردوخاک نگاه کنیم.»

اما امید گویا هیچ‌گاه از انسان روی برنمی‌گرداند! بر اثر چند ناهنجاری گرانشی، موقعیتی ایجاد شده است تا انسان از طریق یک کرم‌چاله به کهکشانی دیگر سفر کند. حال بشریت با دو تصمیم مواجه شده است. یا همه با هم از زمین برویم و یا تنها، نوع بشر را نجات دهیم!

میان‌ستاره‌ای در میان تمام فراز و فرودهای داستان‌ش، نظریه‌ها و فرضیات علمی حوزه‌ی اخترشناسی و کیهان‌شناسی را با نگاهی نو، بر روی پرده‌ی نقره‌ای می‌آورد. نگاهی که متأثر از نظریات کیپ ثورن،



تصویر ۲. تصویرهای روی جلد شماره‌های ۲۴۵ (اسفند ۱۳۹۳) و پس از انتشار فیلم میان‌ستاره‌ای (۲۴۵ (آذر و دی ۱۳۹۶) و پس از کسب جایزه‌ی نوبل توسط کیپ ثورن، نظریه‌پرداز علمی میان‌ستاره‌ای) و ۲۶۶ (بهمن و اسفند ۱۳۹۶) - پرونده‌ای برای جهان‌های موازی با عکس روی جلد فیلم تلقین (Inception)، دیگر ساخته‌ی کریستوفر نولان - (اختصاصی دلتا)



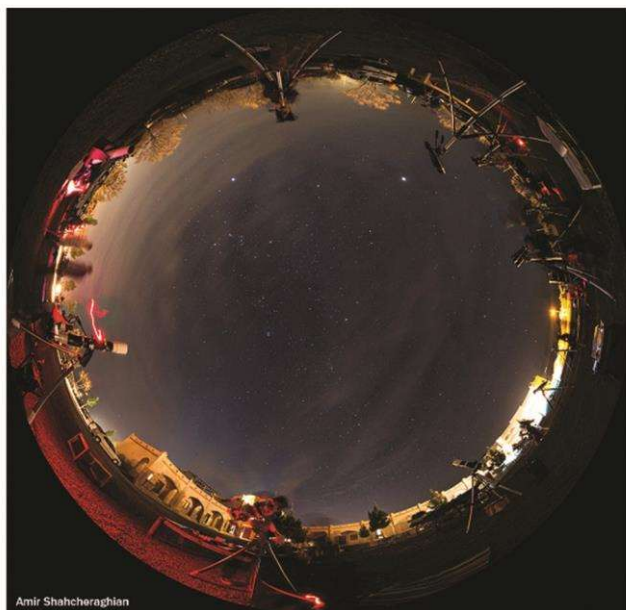
تصویر ۱. پوستری از فیلم میان‌ستاره‌ای

^۱ Interstellar
^۲ Tenet

داستان نجوم

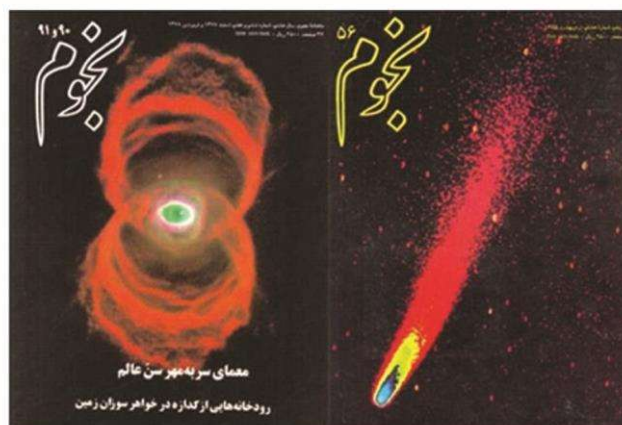
شاید داستان من و نجوم از اسفند ۱۳۹۳ شروع شده بود اما آن زمان نجوم ۲۴ سال داشت. مجله‌ای که از مهر ۱۳۷۰ و با مدیرمسئولی دکتر رضا منصوری آغاز به کار کرده بود. رفته‌رفته نجوم به جایی برای انتشار اندیشه‌ی تمام علاقه‌مندان و متخصصان دانش آسمان‌ها شد.

در تمام عمر ۳۰ ساله‌ی نجوم، به‌جز این یکی دو سال اخیر، این مجله هیچ‌گاه از روی غرفه‌های مطبوعات پایین نیامده بود. همین باعث شد تا دقیقاً در همان سال ۱۳۹۳ به خاطر انتشار مستمر و تلاش برای ایجاد و رشد اجتماع علمی در عرصه‌ی دانش نجوم، مبارزه با شبه‌علم و خرافات، پایبندی به معیارهای رعایت دقت و صحت علمی، علمی کردن زبان فارسی و کوشش در این راه که علم، بخشی از فرهنگ ایران شود، پانزدهمین جایزه‌ی ترویج علم ایران را برنده شود.



تصویر ۳. رقابت رصدگران در ماراتن مسیه ۱۳۹۳، عکس از امیر شاهچراغیان، منبع: skypix.org

در این دوران، تارنما و صفحه‌ی اینستاگرام نجوم با انتشار منظم مطلب و اخبار مهم حوزه‌ی ستاره‌شناسی و علوم مرتبط و با برگزاری نشست‌های زنده‌ی اینستاگرامی، سعی در ایجاد پویایی در این مجموعه داشتند اما کجا است یک نسخه‌ی دیگر از نجوم تا دل عاشقانش را به وجد بیاورد؟



تصویر ۳. تصویرهای روی جلد شماره‌های قدیمی مجله‌ی نجوم، منبع: nojum.ir

برای مردی که «نجوم» را به آسمان رساند

آن دوران علاقه‌مندی‌هایم به خواندن مجله‌های خوبی مثل نجوم رفته‌رفته به دوران دانشجویی منتهی شد. دورانی که می‌شد حتی خودم هم صاحب و مدیر و همه‌کاره‌ی یک نشریه باشم یا به مجموعه‌های دانشجویی و نشریاتی که دارند منتشر می‌شوند کمک کنم. دقیقاً در همین دوران است که می‌فهمم تولید یک نشریه‌ی خوب چه دشواری‌ها و مسیر سختی دارد. مثل همین نشریه‌ای که پیش حضورتان است!

از همین دوران است که هر وقت به نجوم نگاه می‌کنم گامی فراتر از دیدن و ورق زدن یک نشریه برمی‌دارم. به مردان و زنان عاشقی نگاه می‌کنم که هیچ‌گاه از عشق و علاقه‌شان به نجومی بودن کم نشده است و همیشه برای این عشق تلاش کرده‌اند.

نجوم اما در طول عمرش تنها به انتشار نشریه بسنده نکرده است. در حقیقت شاید نشریه تنها یک دلیل برای دور هم جمع شدن عاشقان آسمان زیر یک پرچم باشد. کارگاه‌های آموزشی، نشست‌های نقد و بررسی، سفرهای علمی و از همه هیجان برانگیزتر، «ماراتن مسیه» از خدمات این مجموعه به فضای علمی ترویجی کشور بوده است. حتی در سال‌های اخیر هماهنگی برگزاری جنبش‌های ایرانی جست‌وجوی سیارک از سوی مجله‌ی نجوم در جریان همکاری جمعی از منجمان آماتور ایرانی با مؤسسه‌ی همکاری بین‌المللی جست‌وجوی نجومی موجب ثبت و کشف تعداد قابل توجهی از سیارک‌ها و اجرام نزدیک زمین در مرحله‌ی مشروط^۳ شده است.

در این یکی دو سال اخیر و با شیوع کووید ۱۹، حال نجوم کمی خوب نیست. گویی که گرمای حضور همیشگی نجوم روی دکه‌ها کم‌کم دارد سرد می‌شود. البته در این دوران، تارنما و صفحه‌ی اینستاگرام نجوم با انتشار منظم مطلب و اخبار مهم حوزه‌ی ستاره‌شناسی و علوم مرتبط و با برگزاری نشست‌های زنده‌ی اینستاگرامی، سعی در ایجاد پویایی در این مجموعه داشتند اما کجا است یک نسخه‌ی دیگر از نجوم تا دل عاشقانش را به وجد بیاورد؟

^۳ Provisional



تصویر ۵. رضا منصوری

پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، مرکز تحصیلات تکمیلی علوم پایه در زنجان و مرکز نشر دانشگاهی بوده است. ریاست چند دوره‌ی انجمن فیزیک ایران و مجری طرح رصدخانه‌ی ملی نیز در کنار سوابق اجرایی او جا گرفته است اما سمت معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دوران اصلاحات نیز یکی دیگر از برگ‌های کارنامه‌ی خدمات منصوری است.

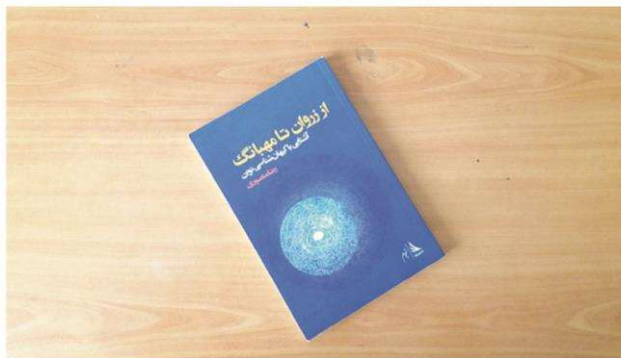
منصوری از آن‌هایی است که گویا لحظه‌ای نمی‌تواند ننویسد! به همین خاطر است که علاوه بر تمام مقالات علمی و کتاب‌های متعددی که در زمینه‌های مختلف فیزیک و کیهان‌شناسی، واژه‌گزینی و حتی سیاست‌گذاری علم و فناوری نوشته است، این روزها در رابطه با موارد مختلفی یادداشت‌هایی را در تارنما و رسانه‌های خود منتشر می‌کند. یکی از این نوشته‌ها کتاب «از زروان تا مهبانگ» است. این کتاب را در همان سال‌هایی که تازه با نجوم آشنا شده بودم، خواندم. بیانی روان، ساده‌گویی مفاهیم عمیق و... از ویژگی‌های بارز قلم این دانشمند و استاد دانشگاه است. دغدغه‌ی علم در ایران گویا از ذهن این فرد هیچ‌گاه بیرون نمی‌رود و حتی گاهی میان همین کتاب علمی نیز به خلأها و فرصت‌سوزی‌های علمی جامعه‌ی ما اشاره می‌کند!

در این سال‌ها همیشه هر بار که منصوری در نجوم قلم می‌زد، محال بوده است که این دغدغه‌ی خود نسبت به جریان علم در ایران را از دست داده باشد و فراموش کرده باشد. ایمان دارم که حال و اوضاع این روزهای نجوم بیش از همه برای منصوری که پدر این مجله است، ناراحت‌کننده‌تر است.

در مجموعه‌های دانشجویی این را به‌خوبی فهمیده‌ام که ممکن نیست مجموعه‌ای پیشرفت کند و فردی مانند پدر یا مادری مهربان و دلسوز همواره پای کار مجموعه نباشد. از این‌رو در میان خیل عظیم عاشقان «نجوم»، دکتر رضا منصوری برای این نشریه جایگاه پدری دارد. فیزیک‌دان برجسته‌ای که ضمن تدریس در دانشگاه صنعتی شریف، افتخار همکاری در پروژه‌های بزرگ علمی بین‌المللی را دارد. فردی که برنده‌ی چندین و چند جایزه‌ی علمی است. دانشمندی که ۱۷ دی ۱۳۲۶ چشم به جهان گشود و دیپلم خود را در سال ۱۹۶۵ میلادی (۱۳۴۳-۱۳۴۴) از دبیرستان رهنمای تهران گرفت و در همان سال برای تحصیل در رشته‌ی فیزیک به دانشگاه وین رفت. منصوری در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۰-۱۳۵۱) مدرک دکترای خود را در فیزیک اخذ کرد. این دانشمند تا سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۵-۱۳۵۶) و به مدت ۵ سال استادیار دانشگاه وین بود و پس از انقلاب به ایران بازگشت و در دانشکده‌ی فیزیک دانشگاه شریف مشغول فعالیت شد. یکی از فعالیت‌های علمی برجسته‌ی منصوری، ارائه‌ی نظریه‌ی آزمون نسبیت به همراه سکسل بوده است. وی همچنین پژوهش‌هایی در زمینه‌ی گرانش، نسبیت عام، سیاه‌چاله‌ها و کیهان‌شناسی انجام داده است. گفتنی است منصوری یکی از پیشگامان همکاری ایران با سرن، سازمان اروپایی پژوهش‌های هسته‌ای، در پروژه LHC بوده است. همان‌طور که از دغدغه‌ی منصوری برای ترویج علم و تأسیس مجله‌ی نجوم مشخص است، می‌شود حدس زد که فعالیت‌های این دانشمند پُرکار تنها به فعالیت علمی و یا تأسیس مجله‌ی نجوم ختم نمی‌شود. منصوری از پایه‌گذاران

که او مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد را در رشته‌ی مهندسی شیلات و آن هم در پردیس خودمان گذرانده بود! روزنامه‌نگاری فعال که هر وقت خبری در حوزه‌ی علم می‌شود، نام او را همراه با مطلبی در روزنامه‌های کشور مشاهده می‌کنیم. دبیری گروه دانش روزنامه‌ی جام جم، حضور در برنامه‌ی آسمان شب، تدریس نجوم و بسیاری از کارهای دیگر تنها بخشی از سوابق سردبیر سابق نجوم و هم‌دانشکده‌ای سابق خودمان بوده است! بابک امین تفرشی نیز چهره‌ی شناخته شده‌ی دیگری از آسمان نجوم است. فردی که از نیمه‌های دهه‌ی هفتاد تا نیمه‌های دهه‌ی هشتاد و پس از دکتر منصور وصالی، سردبیری نجوم را بر عهده گرفت. علاقه‌مندان به ترویج علم با برنامه‌ی «آسمان شب» او که از سال ۱۳۸۰ و از شبکه‌ی ۴ سیما پخش می‌شد آشنا هستند.

برایم جالب بود وقتی فهمیدم امین تفرشی نیز از مدرسان رصدخانه‌ی زعفرانیه بوده است! آخر می‌دانید؛ یادم است که اولین باری که به خورشید نگاه کردم از دوربین‌های تلسکوپ این رصدخانه بود. رصدخانه‌ای که برای نوجوان‌ها و کودکان خاطره‌ی خوش اولین آشنایی با دنیای نجوم را به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین کارهای امین تفرشی، عکاسی نجومی است. تصاویر زیبایی از آسمان ایران که به دست او گرفته شده است و به همت او در سراسر جهان انتشار یافته است. تهیه‌ی فیلم‌های مستند علمی در زمینه‌های کسوف با عنوان‌های «سایه در قاره‌ی سیاه» و «سایه در قاره‌ی سفید» و مشارکت در ساخت مستند «جویندگان کسوف» از مهم‌ترین کارهای وی بوده است. مجموعه‌ی این تلاش‌ها برای او دو افتخار را به همراه داشت. اول و در سال ۲۰۰۹، او توانست جایزه‌ی عکاسی بنیاد لینارت نیلسون را به دست آورد. در سال ۱۳۹۴ نیز به خاطر تلاش‌های نوآورانه در همگانی کردن دانش نجوم توانست جایزه‌ی ترویج علم ایران را دریافت کند. بی‌شک ستارگان بی‌شمار دیگری در آسمان نجوم درخشانند که امروز نقش به‌سزایی در ترویج علم در ایران دارند.

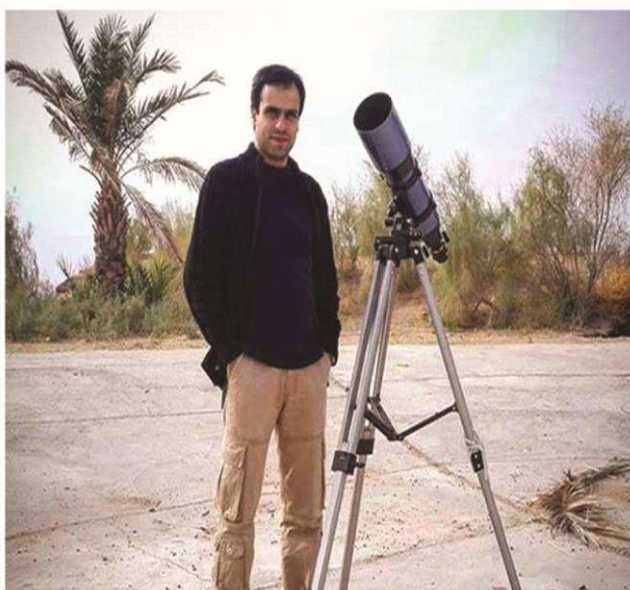


تصویر ۶. تصویر روی جلد کتاب زروان تا مهبانگ نوشته دکتر رضا منصوری (اختصاصی دلتا)

«نجوم» ستاره‌ساز!

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نجوم در طول عمر سی‌ساله‌ی خود پرورش استعدادها و الهام‌بخشی به خیل مشتاقان ترویج علم و عاشقان آسمان بوده است. نجوم همواره به‌عنوان مهدی برای پرورش و بروز استعدادهای جوان ترویج علم و جایی برای کار یادگرفتن و یا حتی کار یاددادن بزرگان بوده است. ستاره‌هایی که از دامان نجوم بزرگ‌شده‌اند و به آسمان ترویج علم ایران پیوستند، بی‌شمار هستند. نجوم از زمان تأسیسش تا امروز، سردبیری توفیق حیدرزاده، منصور وصالی، بابک امین تفرشی، محسن ایرجی، شهاب صقری، محمدجواد ترابی و کاظم کوکرم را تجربه کرده است و اکنون کیارا عباس‌زاده سردبیر نجوم است. چهره‌ای که چندین سال است در نجوم فعالیت می‌کند و می‌نویسد. از بین سردبیران نجوم، شخصاً نام دو سردبیر را در جایی غیر از شناسنامه‌ی نشریه‌ی نجوم هم دیده‌ام! البته درست است که هر کدام از آن افراد علاوه بر سوابق درخشان‌شان، آینده‌ای درخشان را پیش‌روی خود داشته‌اند اما نام کاظم کوکرم و بابک امین تفرشی بیشتر به گوشم خورده است.

شاید نام کوکرم را به خاطر این که دوره‌ی سردبیری‌اش در نجوم مصادف شده بود با سال‌های آشنایی من با این مجله، به یادمانده باشد اما داستان جایی جالب شد که دانشجوی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران شدم و فهمیدم



تصویر ۷. کاظم کوکرم

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نجوم در طول عمر سی‌ساله‌ی خود پرورش استعدادها و الهام‌بخشی به خیل مشتاقان ترویج علم و عاشقان آسمان بوده است. نجوم همواره به‌عنوان مهدی برای پرورش و بروز استعدادهای جوان ترویج علم و جایی برای کار یادگرفتن و یا حتی کار یاددادن بزرگان بوده است.

روزنامه‌ها را بیابد ولی زمانه عوض شد و اوضاع برای برزوی جوان، مساعد شد. به گفته‌ی خود او: «انقلاب شد و یکی دو سال گذشت و دیدم صاحبان ادعا دیگر عرض‌اندام نمی‌کنند، به خودم قبولاندم که باید مقاله بنویسم. اولین مقاله‌ام در سال ۱۳۵۹ در نشریه‌ی دانشمند چاپ شد و به دنبال آن در مجله‌ی علم و زندگی، دانستنی‌ها و ماهنامه‌ی ماشین.» همین ماهنامه‌ی ماشین نقطه‌ی عطفی را در زندگی او رقم زد. فعالیت‌های نویسندگی او در دهه‌ی شصت در کیهان علمی ادامه یافت. سرانجام او تصمیم گرفت گامی فراتر بردارد و در سال ۱۳۶۹ مجله‌ی «مرزهای بی‌کران فضا» را منتشر کند. برزو هرگاه که از مرزهای بی‌کران حرف می‌زد با افتخار می‌گفت که این نشریه اولین مجله‌ی ایرانی بود که کارهای گرافیکی و صفحه‌بندی آن با رایانه انجام می‌شد. مصاحبه با فضانوردان شوروی و ترجمه و انتشار اخبار فضایی رادیوهای آمریکا و شوروی هم از نوآوری‌های وی در این نشریه بود. متأسفانه این مجله پس از ۴ سال به خاموشی گرایید.

سیروس برزو بیش از ۱۷۰۰ مقاله در نشریه‌های دانشمند، دانستنی‌ها، آسمان شب، اطلاعات علمی، نوآور، هوافضا، فضانورد و فناوری فضایی نوشته است. از دیگر فعالیت‌های سیروس برزو می‌توان به تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های روسیه، تأسیس مرکز فرهنگی فردوسی در مسکو و تأسیس و سردبیری ماهنامه «پیوند» به زبان‌های فارسی و روسی اشاره کرد.

برزو دو اقدام بسیار جالب و ارزشمند در ترویج فرهنگ ایران و اسلامی انجام داده است. سال ۱۳۸۵ با کمک پاول وینوگرادوف^۴، فضانورد روس، مجموعه‌ای از کارت‌پستال‌های مینیاتورهای محمود فرشچیان را به ایستگاه فضایی بین‌المللی فرستاد. در سال ۱۳۹۰ هم و پس از بی‌حرمی یک کشیش آمریکایی به قرآن و با پیگیری‌های او الکساندر کالری^۵، دیگر فضانورد روس، برای نخستین بار قرآن چاپ ایران را به فضا برده شد. در سال ۱۳۹۲ جایزه‌ی انجمن ترویج علم ایران به او اهداء شد که در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان سازمان فضایی ایران به امر ترویج دانش فضایی و وضعیت نابسامان مروجان فضانوردی در ایران از پذیرش آن خودداری کرد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.



تصویر ۸. تصویر روی جلد شماره‌ی ۲۵۲ ماهنامه‌ی نجوم-شماره‌ای که در آن پس از کسب جایزه‌ی ترویج علم ایران با بابک امین تفرشی مصاحبه شده است. (اختصاصی دلتا)

سیروس برزو: ستاره‌ی جاودان آسمان نجوم

درست یادم است که از همان اولین شماره‌هایی که نجومی شده بودم، همیشه داستان‌هایی از فضا و فضانوردان و تاریخ فضانوردی و رویای به اعماق آسمان قدم گذاشتن، در نجوم لبریز بود. همیشه هم تصویر لبخند یک مرد مهربان به نام سیروس برزو در ابتدای هر کدام از این مقالات بود. امسال اما کرونا داغ یادداشت‌ها و مقالات این روزنامه‌نگار فعال و دغدغه‌مند را بر دل‌هایمان گذاشت. ۱۳ مهر ۱۳۹۹ روز غروب این ستاره بزرگ آسمان دانش فضایی بود. مردی خستگی‌ناپذیر که اقدامات بسیاری در زمینه‌ی ترویج دانش فضایی کرده بود.

برزو در ۳۱ خرداد ۱۳۳۲ و در شهرستان سرخس استان خراسان رضوی به دنیا آمد. او دبیر آموزش و پرورش بود و بعداً کارشناس وزارتخانه‌ی آموزش و پرورش شد. ریشه‌ی علاقه‌اش به فضا و فضانوردی به دوران مدرسه برمی‌گشت. زمانی که ۱۴-۱۳ ساله بوده است و با راهنمایی‌های معلمی که با احترام فراوان از او یاد می‌کرد، جمع‌آوری عکس و اطلاعات درباره‌ی امور فضایی را آغاز می‌کند و در کنار آن به تقویت زبان انگلیسی می‌پردازد. او با اطلاعات زیادی که در این زمینه کسب کرده بود می‌توانست خطاهای مقاله‌های نشریات و



تصویر ۱۰. تصویری از مینیاتورهای استاد فرشچیان در ایستگاه فضایی



تصویر ۹. زنده‌یاد سیروس برزو

^۴ Pavel Vinogradov

^۵ Aleksandr Kaleri

در مسیر انفجار ابرنواختری یا کوتوله سفید شدن؟

عاشقان نجوم قصه‌ی عمر یک ستاره را خوب می‌دانند! گاهی ممکن است یک ستاره اندک‌اندک تبدیل به یک غول سرخ شود و پس از انفجار تبدیل به یک کوتوله سفید یا یک سحابی زیبا باشد و در خاطره‌ها باقی بماند. گاهی نیز پایان یک ستاره، انفجار ابرنواختری و آغاز راه چند ستاره و چندین سیاره دیگر است.

در این سال‌ها مجلات علمی زیادی را دیدم که بر روی دکه‌ها طلوع کردند و بنا به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جدید رفته‌رفته غروب کردند. تنها شاید مشابه مرگ یک ستاره، از آن‌ها یک کوتوله سفید یا یک سحابی زیبا در یادها باقی مانده است.

اسفند امسال ششمین سالگرد نجومی بودن من نیز فرامی‌رسد درحالی‌که نجوم امسال سی‌ساله می‌شود. مشاهده می‌شود که در سال‌های اخیر مسیر نجوم کمی سخت‌تر طی شده است. نفس‌هایش به شماره افتاده و شماره‌هایش دیربه‌دیر منتشر می‌شود. در این سال‌ها مجلات علمی زیادی را دیدم که بر روی دکه‌ها طلوع کردند و بنا به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جدید رفته‌رفته غروب کردند. تنها شاید مشابه مرگ یک ستاره، از آن‌ها یک کوتوله سفید یا یک سحابی زیبا در یادها باقی مانده است. اما مطمئن هستم که نجوم این مسیر را طی نمی‌کند. الآن که نجوم تازه ۳۰ سال دارد اما حتی اگر سال‌ها بعد بخواهد فرآیند پایان یک ستاره را طی کند مطمئناً مسیر متفاوتی را طی می‌کند. مسیر انفجار ابرنواختری! انفجاری که در طی آن ستاره‌ها و سیاره‌های جدید به وجود می‌آیند. کما اینکه تا همین الآن ستارگان جدیدی از دل نجوم در آسمان ترویج علم ایران می‌درخشند. مطمئنم نجوم آن ستاره‌ای است که مرگ پایان او نیست! بلکه آغازگر زندگی ستارگان بی‌شماری در آسمان ترویج علم ایران است. امید دارم که حال نجوم زودتر خوب شود و ما نجومی‌ها هر چه زودتر شاهد شماره‌های جدید این مجله‌ی دوست‌داشتنی باشیم.

منابع

1. nojum.ir
2. rmansouri.ir
3. tabiat.ir
4. hamshahrionline.ir/news/353887
5. bigbangpage.com